



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

افول آمریکا (۷)

توزیع ناعادلانه در آمد و افول عدالت اجتماعی

پژوهش
تجزیه
معاونت سیاسی
صدا و سیما

فراآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: تهمینه بختیاری

۲	■ توزیع ناعادلانه در آمد در آمریکا
۶	■ پیامدهای توزیع ناعادلانه در آمد



آمریکا محکوم به زوال است.

(رهبر معظم انقلاب)

یکی از مصادیق افول آمریکا فقدان عدالت اجتماعی و توزیع ناعادلانه ثروت و قدرت در آمریکاست.

رهبر معظم انقلاب در سخنرانی خود به مناسبت تسخیر لانه جاسوسی و روز دانش آموز در آبان ۱۳۹۷ فرمودند: البته لیبرال دموکراسی - بنده قبلها هم مکرر این را گفته‌ام - خود ملت‌های غربی را که پایه و اساس حکومتشان و نظام اجتماعی‌شان بر لیبرال دموکراسی است، بدبخت کرده. لیبرال دموکراسی‌ای که امروز در غرب رایج است، خود آنها را بیچاره کرده؛ شکاف‌های اجتماعی، نبود عدالت اجتماعی، نابود شدن خانواده، فساد اخلاقی فراگیر و همه‌گیر، فردگرایی‌های افراطی و شدید؛ خود آنها بیچاره شده‌اند. حالا این آقا هم که آمده - این رئیس‌جمهور فعلی عجیب و غریب آمریکا - که دیگر به همه‌ی اینها چوب حراج زده و در واقع تتمه‌ی آبروی هم آمریکا و هم لیبرال دموکراسی را برده.

مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۷ روز ۲۰ فوریه را بعنوان روز جهانی عدالت اجتماعی انتخاب نمود. در قطعنامه‌ای که به همین مناسبت به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید از همه دولت‌های عضو دعوت به عمل آمده که سیستم اقتصادی خود را بر پایه عدالت، برابری و مسئولیت جمعی تنظیم کنند. انتخاب روزی به نام روز جهانی عدالت اجتماعی با هدف حمایت از کشورهای جامعه بین‌المللی در جهت ریشه‌کنی فقر، اشتغال همه افراد، کار شایسته، تساوی جنسیتی و دسترسی به رفاه اجتماعی و عدالت برای همه اعلام شده است.

براساس نتایج گزارش‌ها درباره عدالت اجتماعی و نشاط حاصل از آن، آمریکا در میان کشورهای جهان به رتبه چهاردهم سقوط کرده است.

The happiest countries in the world

Ranking is based on different social and political factors (2014-2016)

1. Norway		11. Israel	
2. Denmark		12. Costa Rica	
3. Iceland		13. Austria	
4. Switzerland		14. United States	
5. Finland		15. Ireland	
6. Netherlands		16. Germany	
7. Canada		17. Belgium	
8. New Zealand		18. Luxembourg	
9. Australia		19. United Kingdom	
10. Sweden		20. Chile	

Source: World Happiness Report 2017

یکی از عوامل نشاط در هر جامعه ای برقراری عدالت اجتماعی است که توزیع عادلانه درآمد از مظاهر و مصادیق آن است. توزیع ناعادلانه درآمد، یکی از معیارهای اندازه گیری شکاف میان فقرا و ثروتمندان است. براساس نظرسنجی پیو، این فاصله در آمریکا از دهه ۱۹۷۰ با سرعت بسیار زیادی در حال افزایش است. براساس گزارش بانک کردیت سویس، یک درصد از ثروتمندان جهان، بیشتر از نیمی از دارایی‌های جهان را در اختیار دارند. به عبارت دیگر مجموع سرمایه بیش از سه میلیارد نفر در جهان، کمتر از تنها یک درصد ثروت میلیاردرهای جهان است. این آمار براساس محاسبه ثروت خالص است. مردم در جهان منظور از ثروت خالص، مجموع ارزش دارایی‌های فرد منهای مجموع بدهی‌ها است. براساس گزارش بانک کردیت سویس، دارایی یک درصد ثروتمندان جهان به ۲۸۳ تریلیون دلار رسیده است. سرعت رشد مالی و اقتصادی ثروتمندان به دلیل بازار پروتک املاک و روند رو به رشد بازارهای سهام در جهان در فاصله سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷، به بالاترین میزان از زمان ثبت دارایی ثروتمندان در تاریخ رسیده است.

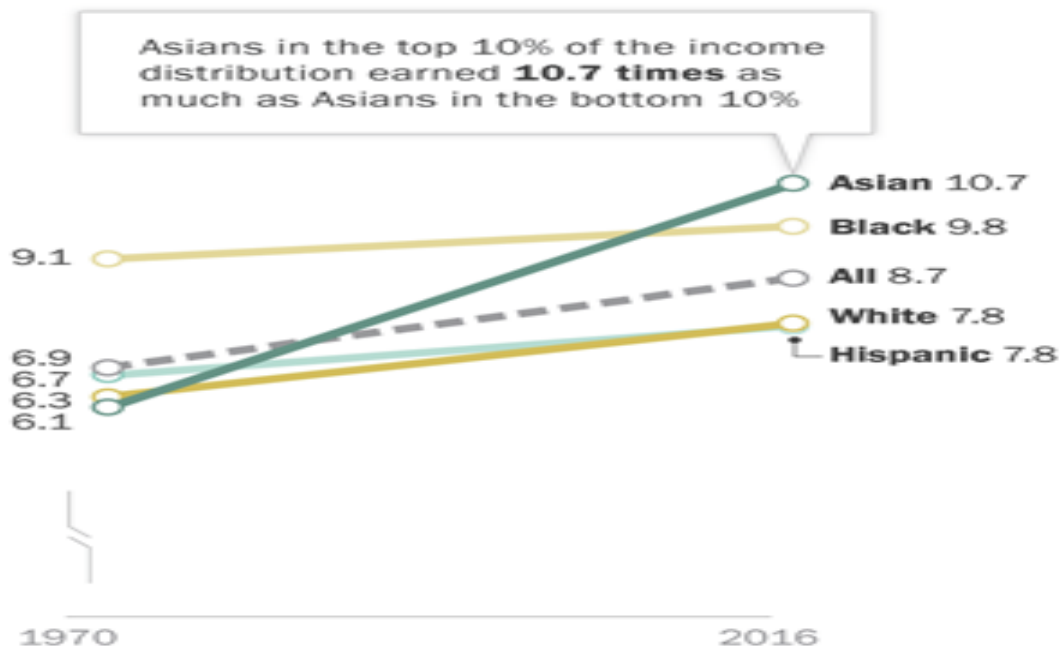
■ توزیع ناعادلانه درآمد در آمریکا

اکثریت فقیر و اقلیت ثروتمند، یکی از ویژگی‌های جامعه آمریکایی است. به عبارت دیگر جامعه آمریکایی به دو طبقه دارا و ندار تقسیم شده است. در حال حاضر، همه طیف‌های سیاسی در آمریکا از دموکرات گرفته تا جمهوری خواه به توزیع ناعادلانه ثروت در این کشور اذعان دارند. برخی معتقدند سیاست‌های اقتصادی ترامپ عملاً ثروتمندان را غنی تر و فقرا را فقیرتر خواهد کرد. آلتون معتقد است جامعه آمریکایی به جز ده درصد به سرعت به خط فلاکت نزدیک می‌شوند. در حال حاضر هیچ راه عملی برای کاهش بی‌عدالتی اقتصادی در آمریکا وجود ندارد. وضعیتی که می‌تواند در نهایت منجر به خیزش مردمی و یک جنبش مدنی قدرتمند علیه هیات حاکمه در آمریکا شود. جنبش وال استریت در سال ۲۰۱۱ یکی از مهمترین پیامدهای توزیع ناعادلانه ثروت در آمریکا است. توزیع ناعادلانه ثروت و درآمدها در آمریکا که جرقه جنبش وال استریت را روشن کرد، همچنان یکی از معضلات اقتصادی در آمریکا محسوب می‌شود که پیامدهای اجتماعی بسیار زیادی دارد. نتایج نظرسنجی پیو در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که توزیع ناعادلانه ثروت در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ با تشدید نژادپرستی همراه شده است. به طوری که توزیع ناعادلانه درآمد در میان آسیایی‌ها از دهه ۱۹۷۰ تا سال ۲۰۱۶ در مقایسه با دیگر اقلیت‌ها به شدت افزایش یافته و به ۱۰,۷ درصد رسیده و جای سیاهپوستان را گرفته‌اند. جدول زیر آخرین نظرسنجی پیو درباره توزیع ناعادلانه درآمد در آمریکا است که سفیدپوستان با ۷,۸ کمتر با این چالش مواجه هستند و سیاهپوستان و آسیایی تبارها با بیشترین نابرابری مواجه هستند.^۱

۱- <http://www.pewsocialtrends.org/2018/07/12/income-inequality-in-the-u-s-is-rising-most-rapidly-among-asians/>

inequality in U.S. increased most among Asians from 1970 to 2016

Ratio of income at the 90th percentile to income at the 10th percentile



Note: Whites, blacks and Asians include only non-Hispanics and are single-race only in 2016. Hispanics are of any race. Asians include Pacific Islanders. Income is adjusted for household size. See Methodology for details.

Source: Pew Research Center analysis of 1970 decennial census and 2016 American Community Survey (IPUMS).

"Income Inequality in the U.S. Is Rising Most Rapidly Among Asians"

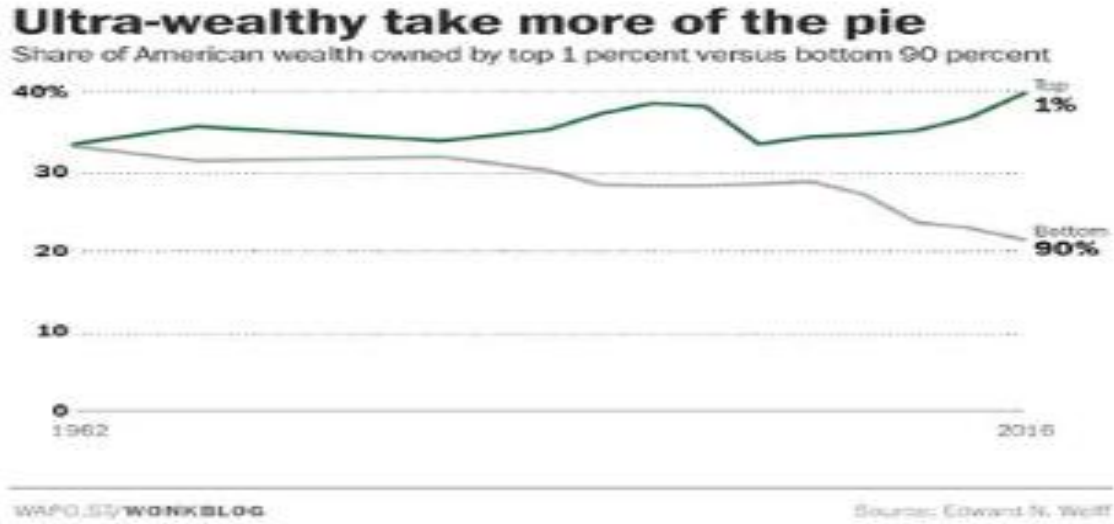
PEW RESEARCH CENTER

ثروت خالص کل خانوارهای آمریکایی براساس آمار سه ماهه اول سال ۲۰۱۷، برابر با ۹۴,۷ هزار میلیارد دلار بود که در مقایسه با سال های قبل افزایش قابل ملاحظه ای داشت. ^۱ رسانه های آمریکایی اندکی پیش از سخنرانی سالانه باراک اوباما درباره وضعیت اتحاد گزارش دادند، یک درصد از آمریکایی ها، چهل درصد ثروت این کشور را در اختیار دارند و هشتاد درصد دیگر نیز فقط در هفت درصد ثروت آمریکا سهیم هستند. اما تنها شش ماه بعد، رسانه های آمریکایی بار دیگر گزارش دادند که ثروت یک درصد آمریکایی ها به میزان قابل ملاحظه ای افزایش یافته است، به طوری که یک درصد جامعه آمریکایی بیش از ۹۰ درصد ثروت آمریکا را در دست دارند.

روزنامه واشنگتن پست، اخیرا در مقاله ای نوشته است، از سال ۱۹۶۲ یک درصد خانوارهای آمریکایی، چهل درصد ثروت کشور را در اختیار دارند که برابر با ثروتی است که ۹۰ درصد دیگر جامعه آمریکایی در اختیار دارند.

۱ - [FRED Graph - St. Louis Fed](#)". FRED. ۲۰۱۸-۰۳-۲۳. Retrieved ۲۰۱۸-۰۳-۲۳.

- جدول زیر نشان دهنده توزیع ثروت در آمریکا است.

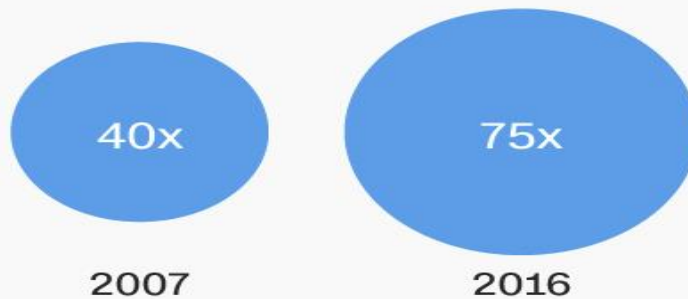


براساس گزارش فدرال رزرو درباره شکاف ثروت در آمریکا که هر سه سال یک بار منتشر می شود، در سال ۲۰۱۶، سبد درآمد خانواده های ثروتمند در مقایسه با سال ۲۰۱۳، حدود ۱۶ درصد افزایش یافته است. اما سبد کمتر از ده درصد خانوارهای آمریکایی در مدت مشابه حدود ۴۰ درصد افزایش نشان می دهد. برای فهم این آمار می توان به گونه دیگری آن را تفسیر کرد. در فاصله میان سال های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶، درآمد خانوارهای طبقه متوسط بالا بیش از ۱۲۷ هزار و ۶۰۰ دلار بوده است، اما درآمد خانوارهای طبقه متوسط پایین کمتر از ۴۲۵۰۰ دلار بوده است. براساس این آمار، در سال ۲۰۱۶ ثروت طبقه متوسط بالا ۷۵ برابر ثروت طبقه متوسط پایین است در حالی که براساس گزارش پیو در سال ۲۰۰۷، ثروت طبقه متوسط بالا ۴۰ برابر ثروت طبقه متوسط پایین بوده است. این اختلاف در سال ۱۹۸۹، بسیار کمتر یعنی ۲۸ بوده است.

- جدول زیر این شکاف ثروت را نشان می دهد.

The wealth gap is wider than ever

The median net worth of upper income families has gone from 40 times to 75 times the median low-income household's net worth.

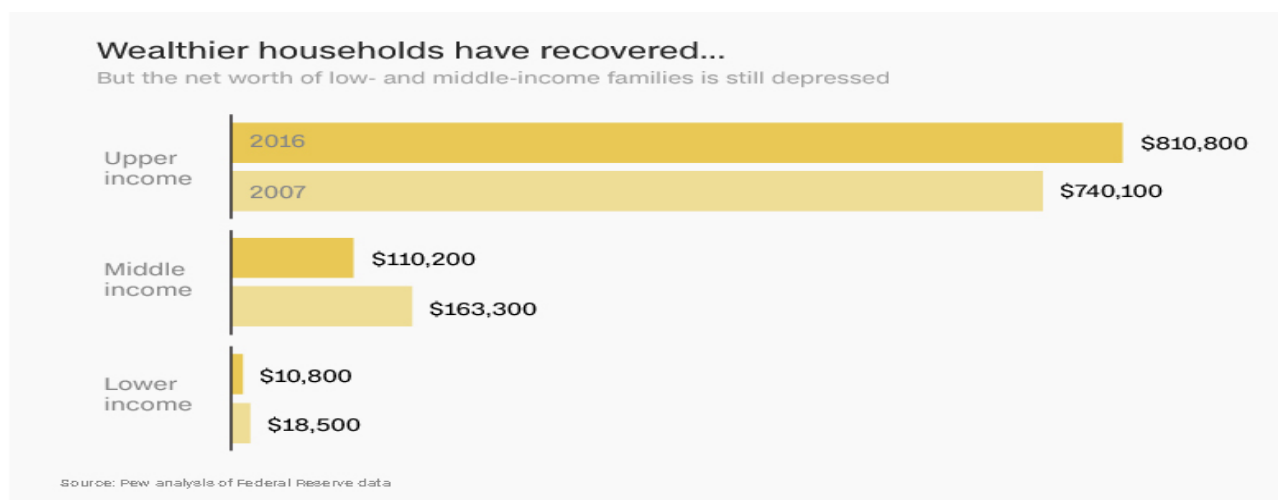


Source: Pew analysis of Federal Reserve data

براساس گزارش پیو، در همین حال خانواده‌های با درآمد بالا در سال ۲۰۱۸ بالاتر از ۸۱۰ هزار و ۸۰۰ دلار درآمد داشته‌اند که ۷۰ هزار دلار بیشتر از سال ۲۰۰۷ بوده است. و طبقه با درآمد پایین نیز به طور متوسط ۱۰ هزار و ۸۰۰ دلار به دست آورده است که هشت هزار دلار کمتر از سال ۲۰۰۷ است.

این گزارش را می‌توان به گونه دیگری هم تحلیل کرد. در سال ۲۰۱۶ یک درصد جمعیت آمریکا ۳۸,۶ درصد کل ثروت آمریکا را در اختیار داشتند که در مقایسه با سال ۲۰۰۷ که ۳۳,۷ درصد ثروت را در اختیار داشتند، سهم آن یک درصد از ثروت جهانی افزایش یافته است.

- جدول زیر نشان دهنده نحوه توزیع درآمد در جامعه آمریکایی است.



براساس گزارش ماه ژوئن سال ۲۰۱۷ گروه مشاوره ای بوستون، تا سال ۲۰۲۱، بیش از هفتاد درصد کل ثروت آمریکا در دست میلیاردرها و میلیونرهای آمریکایی خواهد بود. براساس گزارش‌ها، شکاف ثروت بین خانواده‌های سیاه پوست و سفید پوست از سال ۱۹۸۴ تا سال ۲۰۰۹ سه برابر شده است و از ۸۵ هزار دلار به ۲۳۶ هزار و پانصد دلار رسیده است. برخی محافل سیاسی و رسانه ای در آمریکا تلاش می‌کنند، ارث را عامل اصلی اختلاف درآمد سیاه پوستان و سفیدپوستان عنوان کنند. براساس گزارشی که توسط رابرت بی آوری و مایکل رندال^۱ انجام شده است، از هر سه خانوار سفیدپوست آمریکایی، یک خانوار از طریقی ارث دریافت می‌کنند. در حالی که از هر ده خانوار سیاهپوست، یک خانوار به ارث دست پیدا می‌کند. ۹۶,۱ درصد از خانوارهای ثروتمند یا همان یک درصدی‌ها هم سفیدپوست هستند که این نشان دهنده اوج نابرابری در توزیع ثروت در آمریکا است. یافته‌های یک تحقیق در سال ۲۰۱۱، حاکی از این بود که همه شهروندان آمریکایی از همه طیف‌های سیاسی به صورت قابل ملاحظه ای به توزیع ناعادلانه ثروت در این کشور اعتراض دارند. براساس گزارش سالیانه فدرال رزرو در سال ۲۰۱۷، عملاً در حال حاضر از هر ده خانوار آمریکایی، چهار خانوار در صورتی که یک هزینه فوق‌العاده برایشان پیش بیاید، یا مجبورند از دیگران پول قرض کنند و یا خودرو و یا منزل خود را بفروشند.

۱- Robert B. Avery and Michael S. Rendall

به اعتقاد ناظران، توزیع ناعادلانه ثروت دلایل متعددی دارد که می توان به مالکیت خانه، درآمد خانوار، بیکاری، سطح تحصیلات و آموزش اشاره کرد. ولی داشتن میزاث، مهمترین عنصر و عامل محسوب می شود. ضمن اینکه ثروتمندان بر مبنای ماده (۴)(C) ۵۰۱ بیش از خانوارهای متوسط و فقیر مشمول معافیت مالیاتی می شوند. توزیع ناعادلانه ثروت، چالشی است که مهار آن بسیار دشوار به نظر می رسد و هر سال در مقایسه با سال قبل، این وضعیت بدتر خواهد شد. به نوشته روزنامه گاردین، شکاف طبقاتی در آمریکا در نتیجه توزیع ناعادلانه ثروت روز به روز بیشتر می شود. به طوریکه بین ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته، ثروتمندان، ثروتمندتر شده اند. براساس این گزارش ثروت خالص برادران کوک، یکی از خانواده های میلیاردی در آمریکا در سال ۲۰۰۵، حدود ۹ میلیارد دلار بود در حالی که در سال ۲۰۱۸ به بالاتر از صد میلیارد دلار رسید. مایک بلومبرگ نیز در این مدت ۱۵ سال، ۴۶ میلیارد دلار به ثروتش افزود و جف بیزوس^۱، مالک روزنامه واشنگتن پست، ثروتش به ۱۴۴ میلیارد دلار رسیده است که تقریباً سی برابر بیشتر از سال ۲۰۰۵ است.

■ پیامدهای توزیع ناعادلانه در آمد



پیامدهای سیاسی

سیاست های دولت در آمریکا انعکاس خواسته های ثروتمندان این کشور است و اکثریت شهروندان آمریکا در فرایند سیاستگذاری و تصمیم سازی نقشی ندارند

پیامدهای اجتماعی

سرخوردگی اجتماعی، فقر و بی اعتمادی به ساختار و احتمال بروز جنبش های اجتماعی

پیامدهای اقتصادی

کوچک شدن طبقه متوسط و افزایش شکاف میان فقیر و غنی

توزیع ناعادلانه درآمد می تواند پیامدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشته باشد. ثروت چیزی نیست که در زندگی روزمره بتوان آن را احساس کرد، بلکه درآمد ناشی از آن است که تاثیر ملموسی بر سطح زندگی افراد دارد. در واقع ثروت، فرصت های بیشتری برای کسب درآمد بیشتر فراهم می کند. همچنین، ثروت و درآمد مناسب، می تواند منجر به افزایش قدرت سیاسی شود. بر همین اساس، بیشتر سیاستمداران آمریکایی متعلق به همان یک درصد ثروتمند هستند. در مقابل توزیع ناعادلانه درآمد، منجر به سرخوردگی اجتماعی، فقر و در نهایت بی اعتمادی به نظام حاکم شود. براساس یافته های مدرسه تجارت هاروارد در سال ۲۰۱۴، اختلاف رو به رشد بین طبقه بسیار ثروتمند و خیلی فقیر در طولانی مدت نمی تواند

۱ - Jeff Bezos

پایدار بماند و در نهایت موجب اعتراضات مدنی خواهد شد. تأثیرات توزیع ناعادلانه ثروت بر دموکراسی از دیگر پیامدهای منفی این چالش محسوب می‌شود. براساس یافته‌های پژوهش انجام شده جمعی از پژوهشگران دانشگاه پرینستون و نورث وسترن در سال ۲۰۱۴، سیاست‌های دولت در آمریکا انعکاس خواسته‌های ثروتمندان این کشور است و اکثریت شهروندان آمریکا عملاً در فرایند سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی نقشی ندارند.

دیوید کالاهان در مقاله‌ای در روزنامه گاردین نیز انتخابات در آمریکا را رقابت میان میلیاردرها برای حکومت بر آمریکا توصیف کرده است. به عنوان مثال، رابرت مرسر^۱ یکی از بزرگترین حامیان مالی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری بود که هر ساله میلیون‌ها دلار به گروه‌های مروج سیاست‌های محافظه کارانه کمک می‌کند. این فرد، نفوذ بسیار زیادی در تصمیم‌سازی‌های آمریکا دارد. بلومبرگ نیز از حامیان مالی دموکرات‌هاست. او تاکنون سه دوره شهردار نیویورک بوده است. او یکی از بزرگترین حامیان مالی دموکرات‌ها در انتخابات میاندوره‌ای کنگره در سال ۲۰۱۸ است؛ تنها عامل نفوذ او در محافل سیاسی نیز ثروت بسیار زیاد اوست. حال این سؤال مطرح است که آیا یک معلم یا پرستار هم می‌تواند به اندازه این افراد در فرایندهای سیاسی نقش داشته باشد؟^۲

فیلیپ آلستون، نماینده ویژه سازمان ملل در زمینه مبارزه با فقر در گزارش ژوئن خود اعلام کرد، سیاست‌های جدید آمریکا در دوره ترامپ، میلیون‌ها آمریکایی را به سمت نابودی مالی سوق خواهد داد و حتی ممکن است آنها از تأمین نیازهای اساسی خود از قبیل تهیه غذا باز بمانند، در حالی که همین سیاست‌ها، ثروتمندان در این کشور را غنی‌تر خواهد کرد. به گفته او، ترامپ جامعه را به سمتی سوق می‌دهد که در آن، به ثروتمندان پاداش داده می‌شود و فقرا مجازات می‌شوند.

جوزف استیگلیتز برنده جایزه نوبل اقتصاد در مصاحبه با روزنامه گاردین گفته است، ناظران اقتصادی و بین‌المللی باید عمیقاً درباره تأثیرات اقدامات ترامپ بر جامعه آمریکایی تحقیق کنند. این دولت با افزایش نابرابری در توزیع درآمد و ثروت اثرات بسیار بدی به میراث خواهد گذاشت و آتش یک بی‌ثباتی اجتماعی را شعله‌ور خواهد کرد. ترامپ به جای اینکه راه حلی برای مهار این بحران بیاید، بیشتر به بزرگتر شدن و عمیق شدن آن دامن می‌زند.^۳

یکی دیگر از مهمترین پیامدهای توزیع ناعادلانه درآمد، کوچک شدن طبقه متوسط است. موسسه گالوپ در یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۶ از مردم خواست خودشان را در پنج طبقه اقتصادی بالا، متوسط بالا، متوسط، کارگر و پایین قرار دهند. درصد افرادی که خودشان را جزو طبقه کارگر می‌دانستند، ثابت باقی مانده بودند. در حالی که افرادی که خود را طبقه متوسط می‌دانستند، ده درصد کاهش یافته بود.^۴ دلیل آن هم افزایش توزیع ناعادلانه درآمد بوده است.

۱ - Robert Mercer

۲- <https://www.theguardian.com/commentisfree/2018/jul/05/american-elections-battle-billionaires-civic-inequality>

۳- <https://www.theguardian.com/us-news/2018/jun/01/us-inequality-donald-trump-cruel-measures-un>

۴ - <http://www.chicagotribune.com/news/opinion/commentary/ct-trump-sanders-middle-class-income-inequality-20160329-story.html>